

جشنی برای همه

از امیرالمومنین نوشتن حقیقتا سخت است ، خواننده اگر در ایران باشد یا خارج ایران قصه فهمش فرق میکند

اعتراف به این موضوع که در داخل ایران ما گرفتار جدی درجاتی از غلو در شیعه گری هستیم ، اسان نیست. اینکه بعد از صدها سال ، مجددا این فرقه در بین شیعیان قوت گرفته اند واقعا ترس آور است و اسباب شرمندگی

چگونه میفهمیم این موضوع را؟

کافیست از امروز وقتی بگذارید و بخشهایی از نهج البلاغه را مطالعه کنید تا بفهمید افراطی گری بعضی اطرافیانمان که حاصل چه روندیست.

1- واکنش نسبت به افراطی گری وهابی

چهارسال قبل در مدینه بودم و کلی کتاب و خطابه و بروشور علیه شیعیان منتشر میشد (کمتر از سه چهار ماه بعدش داعش رسماً اعلام موجودیت کرد) طبیعیتست که طلاب شیعه نیز تصور میکنند لازم است جنگی اعتقادی را ادامه دهند و اگر ننویسند شیعه از بین خواهد رفت. این ناشی از این است که برخی از پیروان حضرت علی(ع) میپندارند گروهی اضافی در مسلمین هستند که هی باید حلال زادگی مذهب خود را اثبات کنند که قطعاً چنین نیست و شیعه نباید در چنین تله ای سقوط کند.

2- شیوه ای برای هویت یابی

افراطی گری راهیست تا افراد هویت تازه ای برای خود دست و پا کنند تا در معادلات حساب شوند. امروزه که طرز دین ورزی در تعیین وضعیت سیاسی و اجتماعی افراد نیز موثر است میتوان مثل مقتدی صدر در عراق یا بعضی افراد در ایران با افراطی گری در هیئات مذهبی توسط مداحان هدایت شده ، ایجاد طبقه اجتماعی سیاسی کرد و کار و شغل دست و پا کردو حتی سفارت اشغال کرد و تو بازی سیاسی سری داشت

چه باید کرد؟

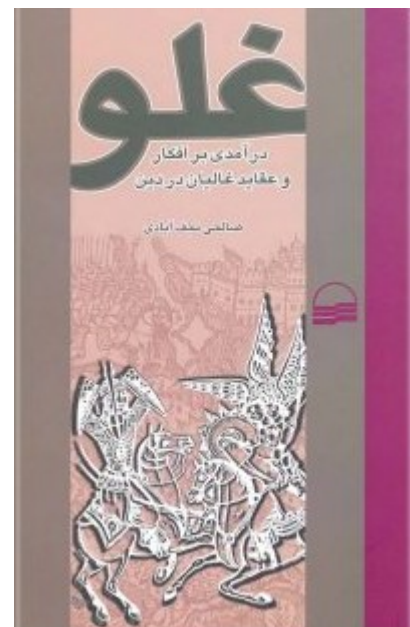
1- مطالعه : با کتاب غلو مرحوم آقای صالحی نجف آبادی شروع کنید ، فرصت بهتر داشتید هیچ چیز به اندازه کلام امیرالمومنین تعیین نمیکند حد ایمان و شیعه گری چقدر است.

2- مراقبت از ذهن فرزندانمان که شور بی آگاهی در بعضی محافل مذهبی آنها را شستشوی مغزی ندهد. هویتی که افراطیون به فرزندان ما میدهند میتواند بسیار سمی باشد و لازم است قبل از این مفاهیم با آموزش اخلاق و تاریخ صحیح اسلام ، فرزندانمان را در برابر این القائات مصون کرد.

مبارکی عید غدیر زمانی درخشان میشود که ما مردمی مسوول تر بشویم و گرفتار افراط و تفریط در دین
ورزی نشویم

علیرضا شیری

[لینک کتاب](#)



بسم الله النور

آدمهایی هستند که از نظر فلسفی به طور فکر میکنند ، از نظر دینی به طور دیگه ، دو تا کتاب روانشناسی و جامعه شناسی هم خوانده اند و جورای دیگه هم فکر میکنند ، حالا اینهمه اطوار فکری به اطوار عملی هم کشیده میشه...یه شتر گاو پلنگی هستند که نگو ! ساحت فلسفی - عرفانی - روانشناسی دارند که بیا و ببین...نگاهشون کن ! دائم در تعارضند...انسان موجودی است که بلده تعارض را قایم کنه ولی زندگی خاصیتش اینه که زیرو رو میکنه آدم را...

آدم باید یک دست بشه به جایی...این همه تکرر فکری آدم را متلاشی میکنه...نمیشه مثل توماس فریدمن پول دربیاری و مثل ابوزر خرج کنی و مثل بریتنی اسپیرز شوهر کنی و مثل رابعه عدویه خدا بپرستی...یه جا باید یه کاسه بشی....قران تعبیرش عجیبه از آدمی که هزار پاره است : رجل فیه شرکاء متشاکسون²

▪ طرف آشنامونه ، دو دهه فاطمیه سیاه پوشه ولی دریغ از کمترین شعور در درک و معاشرت با

خواهر و مادرش...باباش هم همینطور دلشون خوشه پدر و پسر زهرایی هستند در حالیکه اگر کسی ادب حضور در عزاداری صدیقه طاهره پیدا کنه اولین چیزی که تو وجودش حل میشه حرمت داشتن زنانگی در زندگی است. سیه پوش صدیقه طاهره نمیتونه تو سر زن و دختر و خواهرش بزنه...جلوی جمع به خاطر یه تار مو ، تمام حرمت اون دختر نوجوون را به زیر نمیکشه....بلده مثل نبی اکرم که با روی خوش ، دلبری کنه از قلوب مومنین...

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

{ ای پیامبر { پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد.

وجود نازنین فاطمه زهرا کجا و بدفهمی های اهل غلو کجا ؟ طرف بلده برای تنهایی اون زن گریه کنه ولی توان درک تنهایی عظیم "دختر خودش" را نداره ، همه خونه باید به سلیقه ایشون زندگی کنند ، به همسایه اش که میرسه میشه شمر و موقع کاسبی میشه راکفلر و در شفقت بر خلق لئیم است و در "مدیریتش" میتونه هزار "پشت هم اندازی" را بازی کنهلهم قلوب لا یفقهون بها

و میاندیشم در این سالگرد شهادت ، چه عظمتیست در اکرام صدیقه طاهره به مردان و زنان مومنی که به نور ایشان ، منور شده اند (دعای نور منسوب به فاطمه زهرا س)³

خاطرم هست که سالی نه چندان دور در ایام فاطمیه به همت دانشجویی اهل دل به اسم باهر در روستای ایرا از توابع لاریجان، نزد جناب علامه حسن زاده آملی شرفیاب شده بودیم ایشان دانشمندی هستند که معتقدند حضرت زهرا حقیقت شب قدر هستند ؛ موقع خداحافظی ، بزرگواری میکردند و تا دم در مشایعت میکردند. جراتی کردم و درباره محتوای پرسوز و گداز بعضی روضه های مجالس حضرت صدیقه طاهره ازشون پرسیدم که اقا چنین مسائلی چقدر صحت داره ؟ برفروخته شدند و با ناراحتی فرمودند " اقا ما هرچه میکشیم از منبرهای بی سواد است ..."

بنده ناچیز ، بعد 32 سال هیات رفتن به این نتیجه رسیده ام که سخنران و مداح با سواد و غیر اهل غلو یافتن کار ساده ای نیست ؛ حداقلش اینه آدم خودش بشینه 4 تا کتاب محققانه بخونه که عقلش تعطیل نشه (در آخر این مقاله ملاحظه بفرمایید)

=====

2 - ضرب الله مثلاً رجلاً فیه شرکاء متشاکسون و رجلاً مسلماً لرجل، هل یستویان مثلاً الحمد لله، بل اکثرهم لا یعلمون» (زمر / 29) من (خدا) مثالی برایتان می‌زنم، یک مقایسه‌ای بکنید بین نوکری که چند ارباب که خود آنها با هم دعوا دارند و نوکری که ارباب واحد دارد؛ نوکری که چند ارباب و فرمانده دارد، خود این ارباب‌ها با هم دعوا دارند، اگر خود این ارباب‌ها با هم دعوا نداشتند، خوب همه می‌گفتند، بنشین، می‌نشست، می‌گفتند برو، می‌رفت، اما خود ارباب‌ها با هم دعوا دارند، یکی می‌گوید بنشین! یکی می‌گوید حرف بزن!)

3- [سید ابن طاووس](#) در کتاب «مهج الدعوات» از سلمان روایتی نقل کرده که: در آخر روایت مطلبی آمده به این مضمون: حضرت فاطمه علیها السلام کلامی به من آموخت که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فراگرفته بود، ایشان آن را در صبح و شام می‌خواند به من فرمود: اگر می‌خواهی هرگز در دنیا دچار تب نشوی بر آن مداومت کن. و آن کلام این است:

بِسْمِ اللَّهِ النَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ
النُّورَ مِنَ النُّورِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَأَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ
بِقَدْرِ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ
مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

به نام خدای نور، به نام خدای نور نور، به نام خدای نور بر نور، به نام خدایی که تدبیرگر امور است، به نام خدایی که نور را از نور آفرید، و سپاس خدایی را که نور را از نور آفرید، و نور را در کوه طور فرو فرستاد در کتابی بر نوشته، در ورقه‌ای گشوده، با اندازه‌ای درخور، بر پیامبری آراسته، سپاس خدای را که به عزت یاد شود، و به عظمت مشهور است، و بر شادی و بدحالی سپاسگزاری شود، درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان پاکش.

– کتب پیشنهادی برای مطالعه تاریخ اسلام :

در درجه اول دکتر محمد ابراهیم آیتی را معرفی میکنم که به حق از معجزات حوزه و دانشگاه در [اینجا](#) بخوانید و لذت ببرید .

شهید مطهری در صفحه 222 کتاب ده گفتار در تمجید از مقام علمی و زحمات ایشان چنین یاد می کند: « آقای آیتی یک مورّخی است نسبت به تاریخ صدر اسلام، من به جرأت می توانم بگویم در همه تهران و شاید در همه کشور کسی نداریم که به تاریخ صد ساله اول اسلام مثل آقای آیتی احاطه داشته باشد. کسی مثل او نیست که به جزئیات این قسمت از تاریخ احاطه و اطلاع داشته باشد. این مرد بر تمام متون تاریخی این قسمت مسلط است و جزئیاتش را می داند. اگر مثلاً از جنگ بدر بپرسید، یک یک آدمهایش را می شناسد. حتی گاهی می گوید پدرش کیست، مادرش کیست، خویش و تبارش کیستند. حرفی که این مرد بگوید سند است... ایشان آخرین اثری که تألیف کرده اند و دانشگاه چاپ کرده است کتابی است در تاریخ اندلس. کتاب بسیار خوبی است و درباره حادثه اسلامی بزرگی است که ما مسلمانان و بالخصوص ایرانیها در موضوع این حادثه خیلی تقصیر کرده ایم. این تاریخ را بگیرید و بخوانید.»

متاسفانه ایشان ، در اثر سانحه رانندگی در 51 سالگی (50 سال قبل) از دنیا رفت ولی آثار ایشان در دسترس میباشد .

فرازهایی از اندیشه استاد آیتی

دین داری و دین شناسی

دین داری غیر از دین شناسی است. برخی از مردم به خدا و رسول دین و آئین عقیده دارند و در انجام مراسم مذهبی کوشش به سزا می کنند، اما دین شناس نیستند و کوششهای آنان غالباً جاهلانه و عامیانه

است. همین مردم که گاهی به قصد قبت با خدا می جنگند و برای خاطر دین به دین و دینداران حمله می کنند... اینطور نیست که هر مسلمانی بفهمد مسلمانی چیست، بسا می شود شخص در عین آنکه مسلمان و متدین باشد فکری یا افکاری ضد دین داشته باشد و به نام توحید و خدانشناسی، شرک ورزد و به نام اخلاص ریاکاری کند... مردم دیندار باید بیش از هر چیز به فکر دین شناسی باشند تا هم آبروی دین را نبرند و هم آنچه به نام دین انجام می دهند مورد رضای خدا و رسول باشد... یکی از افکار خطرناک ضد دین آن است که انسان تصور کند هر کاری که قیافه مذهبی پیدا کرد خوب است و ثواب دارد، اگر چه روح دین از آن بیزار و بی خبر باشد...

تاریخ پیامبر اسلام (خلاصه این کتاب را اینجا میتوانید ملاحظه بفرمایید استاد در این کتاب از 156 مرجع علمی استفاده کرده است. دکتر گرجی دانشگاه تهران زحمت تبدیل دست نوشته های استاد به این کتاب نفیس را به عهده داشته اند)

این کتاب تحقیقی است مستند، گسترده و دقیق بر اساس متون کهن در پیرامون حضرت رسول اکرم (ص) که مؤلف در تنظیم آن زحمات فراوانی را متحمل شده اند. این کتاب با تعلیقات و اضافاتی از دکتر ابوالقاسم گرجی از طرف دانشگاه تهران چاپ شده و چندین بار تجدید چاپ گردیده است ([اینجا](#) را بخوانید) خود کتاب را [بنیاد پژوهشهای اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها \(سمت\)](#) منتشر کرده است

بررسی تاریخ عاشورا

خمیر مایه این کتاب را مجموعه هفده سخنرانی دکتر آیتی در رادیو ایران در سال های 1343 - 1342 تشکیل می دهد. این اثر به همت استاد علی اکبر غفاری تنظیم و چاپ شده و تاکنون در حدود 10 نوبت تجدید چاپ شده است

کتب آقای [رسول جعفریان](#) نیز در این زمینه متعدد و بسیار خواندنی هستند.

کتابی نیز من چند سال پیش خواندم که بسیار جالب بود از یک روحانی به نام صالحی نجف آبادی به اسم [غلو](#) که واقعا توش زحمت کشیده شده بود. در فصل اول به جریان غلو در میان مذاهب اهل سنت پرداخته و در فصل دوم، غالیان مذهب شیعه را بر شمرده و در هر يك به ذکر نمونه هایی از غلو در گفتار و نوشتار سه دسته از غالیان پرداخته است و آنان را مثلث شوم نامیده است که دسته اول: دشمنان ائمه اند، و دسته دوم: عشرت طلبان کامجو و هرزه اند، دسته سوم: بعضی از دوستان افراطی دلباخته ائمه اند. (انتشارات کویر)

=====

مطالب مشابه

▪ [در عجب میشوی از اینهمه حماقت](#)

▪ [طبقه پایین حرم امام رضا \(ع\)](#)

▪ [دو بیاله مثنوی](#)

▪ [یزید مگه ساوه نیایی!](#)

▪ [خلاصه درسهای دکتر شیری در سخنرانی روز تاسوعا با حجت الاسلام برمایی](#)

چگونه این دختر ۹ ساله سوری دنیا را شگفت زده کرد

دیشب تو پارکینگ ساختمون رفته بودم و پسرم رسا تو محوطه پارکینگ بود که یه ماشینی استارت زد و همزمان رعد و برقی نیز باصدای نسبتا بلند زد و رسا وحشت زده به اطرافش نگاه کرد و و طفلک بدو بدو هراسان سمت من آمد ؛

وقتی در آغوشم گرفتمش ، قلبم تند تند میزد و به شدت با یادآوری کودکان سوری و یمنی و رنجهای ناگفتنی که پدران و مادران این اطفال میکشند ، مغموم شدم ، غمی که نمیتوان در نظر نگرفت که بین تروریستهای تکفیری و دولتی عصبی از مردمش ، چه گناهی دارند مردم و کودکان

آوای دختری سوری برای کودکان سرزمینش

مسابقه آوازخوانی کودکان عرب این بار با صدای دختری سوری آغاز شد که برای صلح سرزمینش آواز میخواند. «غنا بوحمدان» اهل سوریه با پیام امید و صلح به این مسابقه آمد و اجرای بسیار زیبا و متاثر کننده‌ای از آهنگ «کودکی‌مان را به ما بازگردانید» از «رمی بندالی» را به نمایش گذاشت. آهنگ «کودکی‌امان را به ما بازگردانید» هنگام جنگ داخلی لبنان بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ اجرا شد. جنگی که بیش از ۱۲۰ هزار قربانی و کشته به جای گذاشت.

داوران برنامه از جمله نانسی اجریم ستاره لبنانی و مشهور موسیقی پاپ تا حدی متأثر شده بودند که آغاز به همخوانی با این کودک سوری کردند. غنا در میانه آواز کنترلش را از دست داد و گریست و نانسی اجریم در ادامه همراه او شروع به خواندن کرد.

برنامه آوازخوانی کودکان عرب در بیش از ۲۷ کشور جهان پخش می‌شود و شبکه‌های مختلفی تحت تأثیر آواز و پیام غنا قرار گرفته‌اند.

متن ترانه را در ادامه می‌خوانید. به امید صلح و آرامش برای کشور سوریه:

ما آمدیم با شما جشن بگیریم

این تعطیلات از شما می‌پرسیم

چرا هیچ جشن و تزئیناتی نداریم؟

آی مردم، سرزمینم سوخته است

در سرزمینم آزادی ربنوده شده است

آسمان ما رویا می‌بینید

و روزهایی را می‌خواهد که...

آزادی ربنوده شده...

سرزمین من کوچک است

مثل من کوچک است

به ما صلح بدهید

و کودکی‌مان را به ما بازگردانید

کودکی‌مان را به ما بازگردانید

به ما صلح دهید...

[اطلاعات بیشتر درباره این کلیپ](#)

فرهنگهای خوب: حمام اتوبوسی سانفرانسیسکو

ساماندهی بهداشت شهروندان بی خانمان در شهر، تجلی مفهوم حق بر شهر...
“حمام اتوبوسی برای بی خانمانها”



گاهی خلاقیت و استفاده از ابزارهایی که دیگر کاربری اصلی خودشان را ندارند، باعث می شود اوضاع زندگی برخی از شهروندان یک شهر در شرایط بهتری قرار گیرد. یکی از مشکلات بزرگی که بی خانمانها در سراسر دنیا با آن روبرو هستند، حمام و دوش گرفتن است و بهترین راه حل آن، استفاده از حمامها و دستشویی های عمومی است، اما با رشد تکنولوژی تعداد این ساختمانها در همه دنیا کاهش پیدا کرده و جوابگوی نیاز بی خانمانها نیست.

در سانفرانسیسکو، حدود ۶۵۰۰ بی خانمان وجود دارد که تمام عمر خودشان را در خیابانها می گذرانند و بسیاری از آنها ممکن است حتی سالها از حمام استفاده نکنند. از همین رو موسسه ای به نام “لاوا” بر اساس طرحی که یکی از بازاریاب هایش داده، به فکر انجام کاری برای ایجاد حمام برای بی خانمانها افتاده اند. دونیس سندوال که ایده این طرح از اوست، ایده شکل گیری چنین موضوعی را اینگونه تعریف می کند: یک روز در خیابان راه می رفتم که زنی از کنارم رد شد که بسیار کثیف بود، در همین حال گریه می کرد و با خودش می گفت من هرگز دوباره تمیز نمی شوم! البته شاید این زن در همان لحظه به تمیز شدن فکر نمی کرده و فقط جملاتی را بیان می کرده است، اما من با خودم فکر کردم اگر چنین فرصتی برایش پیش بیاید، چه اتفاقی می افتد.

اتفاق دومی که برای سندوال افتاد، از ای قرار بود که یکی از سربازان جنگ ویتنام را که می شناخته در خیابان می بیند. او بعد از جنگ حالت های روانی پیدا کرده بود و در خیابانها زندگی می کرد، اما در ابتدا اصلا نتوانسته بود او را بشناسد و در وضعیت خیلی بدی به سر می برده است. دونیس کارش روی این ایده را سال ۲۰۱۳ با این شعار که «هرکسی حق دارد تمیز باشد» شروع می کند. پروژه در ابتدا با یک اتوبوس که توسط شهرداری سانفرانسیسکو در اختیار آنها قرار می گیرد، شروع می شود. یک اتوبوس که تمام امکانات حمام کردن را دارد در جاده قرار می گیرد و بعد از موفقیت همان یک اتوبوس، تعدادی دیگر هم اضافه می شوند و در نقطه های مختلف شهر قرار می گیرند.

بعد از دو سال از طرح اولیه، حال یک تیم قوی از افرادی که باور دارند حمام و دستشویی حتما نباید جای لوکسی باشد، در این موسسه کار می کنند تا به بی خانمانها این شانس را بدهند که تمیز زندگی کنند. **بی خانمانها ممکن است کار نکنند و خانه نداشته باشند، اما می توانند تمیز زندگی کنند.**

اتوبوس آبی آنها می خواهد تمیزی را برای این افراد به ارمغان بیاورد و امروز هر اتوبوس در هفته

میزبان ۲۰۰۰ بی‌خانمان است. این موسسه به دنبال استفاده از منابع موجود برای تبدیل کردن آن‌ها به وسیله‌های قابل بهره‌برداری است و البته شاید این دوش‌ها مشکلات اساسی این بی‌خانمان‌ها را حل نکند، اما موسسه لاوا توانسته به کسانی که به اولین حقوق خودشان دسترسی ندارند، خدمت کند و خودشان به دنبال گسترش این طرح در شهرهای اطراف هم هستند.

urbanthinkers@

با تشکر از خانم ولی پور برای ارسال این بخش به ”فرهنگهای خوب

شما هم از فرهنگهای ایران یا دنیا نکته جالبی دیدید، حتی الامکان با عکس برایم بفرستید تا یاد بگیرم و به هزاران خواننده فرهیخته هر روز این سایت برسانم dr@doctorshiri.com با ساجکت: فرهنگهای خوب

در صفحه اینستای بنده نیز کلی مطالب جالب هست [alirezashiri#](https://www.instagram.com/alirezashiri)

به فرزندانمان چه بگوییم؟

نزدیک خونه هیاتی برپاست، تاکسی نگه میداره پیاده بشم؛ چشمم می افته به ۴ دختر ۱۵-۱۶ ساله که دارن تو عالم نوجوانی شون عکس فیس بوکی میگیرند، سرهاشون را با لبخندی دلنشین خم کرده اند به سمت هم که تو کادر جا بشوند و همه شون هم سیاه پوشیده اند و شاید روحشون هم خبر نداره که شب تاسوعای حسین بن علی، شب آیینی بزرگتر است که بخواهیم اینگونه ثبت خاطره کنیم

به فرزندانمان چه گفته ایم که همه حسین(ع) برایشان بیش از یک دور همی ده شبه نیست؟



همسایه ما در عراق نیروگاه میسازد، قراره من را هم یکبار با خودش ببره نجف و کربلا. گاهی اوقات که برام خاطره ای میخواد بگه، به دور دست خیره میشه و دست در موهای سپیدش میکنه مهندس و با تاسف از کربلایی میگه که هنوز بعد ۱۰ سال از سقوط صدام برق درست و حسابی نداره...از سیستم معیوب فاضلابی میگه که تا بارون میاد همه لجنهای شهری میاد تو کف خیابونها و آلودگی و...مهندس میگه در ایام عزاداری و اربعین و...دهها کیلومتر جاده های منتهی به کربلا مملو از موکبها و چادرهایی در کنار جاده میشود که شیعیان نذر میکنند برای زائران پیاده حرمین شریفین اطعام و محل استراحت و ماساژ و...فراهم کنند که زوار با آسودگی به زیارت بروند...چقدر عشق و چقدر محرومیت؟ چقدر جای مردان بی ادعایی خالیست که به توسعه عدالت و بهداشت و رفاه عمومی مردمان

بیندیشند تا فساد و نا امنی و دزدی و رشوه و اختلاس جمع بشه.



حسین بن علی برای همگان فلسفه قیام خویش را شرح میدهد : الا ترون ان الحق لا يعمل به و الباطل يعمل به ؟ آیا نمیبینید که به حق عمل نمیشود و باطل است که مورد عمل واقع میگردد؟

حسین بزرگوار !

بیا و ببین حقهایی که باطل میکنیم و بطلانهایی که بدان شتاب میگیریم

بیا و ببین برخی سیه پوشان تو در مسند قضاوت ، چه راحت روح خود را به ابلیس فروخته اند و بعضی بانکداران سیاه پوش تو چگونه از فردای عاشورا تدبیر میکنند با بیت المال اختلاسهای ۳۰۰۰ میلیاردی بکنند!

بیا و ببین که به اسم تو میتوان در زندگی مردم تجسس هم کرد و به ناموسشان به بهانه ارشاد ، خیره شد و همچنان حسینی ماند! وامحمداه از اینهمه دل خوشی.

حسین عزیز!

حجره تو آیا دریده شد که مردمان شیعه اینگونه بزیند؟

ما لایق شیعیگی تو نبوده ایم ، امروز به هیات تو که می آیم از ترس دزدان و خفت گیران ، قفل گران بر ماشین و منزل خود را میزنیم که سارقان دیرتر بتوانند جیبمان را بزنند و مراقبیم مبادا کارمان به کلانتری سیه پوش شده برسد که در آن صورت دیگر امیدی به یافتن مال مان نیست...

مردانی بر لب ، اسم تو دارند و در نوشته های خود تن مردم بیچاره را با تلخ گویی و نقدهای پر کینه میلرزاند و از هر صلی در هراسند که مبادا این مردم روی رفاهی ببیند

مولایم!

همه دغدغه پیران منابر ما از کودکی این بوده که یک روسری چند سانت حرکت نکند و نفهمیدند که ظلم و رشوه و تهمت و بی اخلاقی، ریشه های یک تمدن را جابجا میکند!

به کودکانمان از تو چه بگوییم ؟ این معصومانی که همه تصویری که تو دارند ، ظرفهای قیمه ایست که چند تا چند تا دارن از در یک خونه میبرند بدهند به چند تا سیر ، بخورند !

چه بگوییم به شیعیانی که برنج تو را از بغضهای تو بیشتر عزیز میدارند . (انما خرجت لطلب الاصلاح فی امت جدی)

حسین عزیز!

به اسم تو در هیاتها بر سر و سینه میزنیم و بر مظلومیت خاندان تو و زینب ات میگرییم ولی بر دختر و مادر و همسر و خواهر خود چنان رفتار میکنیم که گویی خود از ال امیه اند

نام تو را بلندتر از نام نبی اعظم میخوانیم و نمیدانیم که همه قیام تو خلاصه در توحید بوده است. مشرکانه از تو شفا میخواهیم و نمیدانیم الشفاء عند الله و لا موثر فی الوجود الا الله.

از روزی که مفهوم امام را با بت اشتباه گرفتیم ، ابلیس شادی و سرور ایمان را از ما ربود ، امام به ما کمک کن موحدانه بزییم

قربان حنجره خسته ات در امشب تاسوعا بگردم، خسته ای؟ تنهایی؟ دلگیری از ما امت گستاخ ؟

- بگذار دستانت را ببوسم مولا که خشکیده از فرط تنهایی ، تنهایی از ورای ۱۴ قرن که اکنون در برابر در یوزگی و بدفهمی ما مبدل به تلخ ترین سکوت میشود
- به تنهاییت قسم ، زندگی مان را میگذاریم که امت تو در صلح و رفاه عدالت و بهداشت و آموزش و دلخوشی و توانگری که شایسته امت محمد است بزیند
- من روزی را میبینم که شیعه کربلا برای ابراز خلوصش به مولا، قلاده بر گردنش نیندازد بلکه سرش را با عزت بالا بگیرد و مسوولانه زندگی کند و افتخار مولایش باشد
- من روزی را میبینم که مداحان با خیال راحت کاری داشته باشند پر از درآمد ؛ غیر از مداحی که به خاطر صاحب مجلس ، حقیقت دین را غلیظ و رقیق نکنند و هر نغمه بی ربطی را وارد آیینهای پاک شیعه نکنند
- من روزی را میبینم که هیچ کسی برای شفای فرزندش زیر صدها کیلو آهن علم نرود و در عوض ، به راحتی و بدون سفارش و پارتی و.. به درمان و بیمه حمایتی دسترسی داشته باشد.
- من روزی را میبینم که کسی به خاطر ابراز عقیده اش به حبس نیفتد ...
- من روزی را میبینم که دختران و پسرانمان به داشتن این دین افتخار میکنند و برای بزرگداشت حسین بن علی ، نیازی به تظاهر نباشند
- من روزی را میبینم که **هاله ای از نور** ابلیس بر دیده این مردمان نتابد و چراغ برهان و خردمندی افروخته باشد و چشم ابلیس به در آید. من روزی را میبینم که مردم ما فهمیده اند به اسم “منتظر مهدی بودن” نباید با شعورمان بازی کنند.
- من روزی را میبینم که “نگریستن” به نور حسین جای گریستن خالی را بگیرد و “آموزه های” حسین ، قیمتی تر باشند از “آموزه” زخمهای حسین
- من روزی را میبینم که در هیچ دادگاهی در کشور شیعه ، مجبور نباشی شماره حساب کارمند متشرع (!) را بگیری
- من روزی را میبینم که فرزندان سراوان و بندرلنگه و گنبد و مریوان و جلفا به ایرانی بودن خود مفتخر باشند و صدای قهقهه های ایشان را با اینکه جسمی از من در آن روز نخواهد بود ، میشنوم که به زبان محلیشان برای عزیزان خود ، **قصه بیداری ما** را خواهند گفت.
- من روزی را میبینم که شیعیگی در ذیل انسان بودن قرار بگیرد و فردیت همه مردمان محترم باشد و دنیا جای بهتری برای زیستن فرزندانمان باشد و فراموش نمیکنم که منتظران حسین او را به قتل رساندند و اینگونه منتظر مهدی (عج) نباشم

حسین بودن ، حسینی شدن

از کلاس آمده ام بیرون و لنگ لنگان تو سرما می‌رسونم خودم را به اتومبیل. تو چند دقیقه ای که آمپر بیاد بالا تا بتونم بخاری بگیرم کلی انگاری طول کشید و همه مون تو ماشین می‌لرزیدیم . می‌رسیم سر سینما آزادی که بریم رستوران هانی و دارم پارک میکنم که یه آقای 20 ساله اومد که گل نرگس می‌فروخت و منم که حساس به زیبایی نرگس... خلاصه یه دسته قشنگش را خریدم و داشتیم پیاده میشدیم از ماشین که دختری 11-12 ساله اومد دم شیشه و گفت از من هم بخريد. گفتم دخترم من ديگه خريدم دفعه بعد ايشالله از شما ميگيرم. غری زدو عصبانی چیزی گفت و رفت. بلافاصله یه دختر 7 ساله اومد جلوی شیشه و گفت من از شما عذرخواهی میکنم ، آجیم عصبیه امروز و بدون اینکه چیزی بگه و ذره ای در صداقتش بشه شک کرد از من فاصله گرفتو دوید به سمت چهار راه برای مشتریای احتمالی. در همین موقع دختر اولیه اومد و عصبی بهش توپید که به تو چه ربطی داره و درقی خوابوند زیر گوشش.

من پیاده شدم و بهش اعتراض کردم که چرا میزنیش ؟ معترضانه جواب داد آجیمه !
رفتم به دلجویی دختر کوچیکه ، اسمش زهرا بود ۷ سالش بود و تو شوش زندگی میکردن. با همون زبون بچگیش گفت خب نباید آجیم بی ادبی کنه... روزی اون نیوده... به اون هم به وقتش مشتری خوب میخوره !
من چسبیدم به سقف از حرفهای حکیمانه این بچه... سر شام همش فکرمون مشغول این دوتا بود و اینکه خواهر اولیه (شیوا) هم یه روزی زهرا بوده و الان از بس کتک توهین خورده اینطوری شده و...

بعد شام رفتیم سر چهار راه. داشتند دو تایی باز هم فروش میکردند. دستی تکون دادیم. زهرا دوید اومد سمتمون. خواهرش از دور نگاهمون میکرد، بهش اشاره کردیم که تو هم بیا. اومد از هر دوشون چند تایی نرگس خریدیم. چند کلوم هم با شیوا گپی زدیم و وقتی داشتیم از شون جدا میشدیم از پشت سر با صدایی محبوب گفت : ایشالا پاتون خوب بشه

چند وقت پیش به ضرورتی رفتم امتحان آیلتس بدهم و از حجم زیاد متخصصینی که برای مهاجرت کانادا و استرالیا اومده بودند، متحیر شده بودم. بهشون می‌گفتم شما اونجا باید از صفر شروع کنید . نگاه تلخی میکردند و میگفتند باز بهتره از این وضع. و من غصه ای سر دلم بود که وقتی همه این سرمایه ها می‌رود چه کسی جایشان را پر خواهد کرد و چه امیدهایی در غربت و تنهایی ، به باد خواهد رفت .

تو شرایطی که به بهانه های مختلف به کشورهای لاتین و عربی و تازه کشف شده دنیا سرمایه گذاری میکنیم که نشان دهیم مثلا تحریم نیستیم و منزوی نشده ایم ، داریم مردمی را تو همین خیابونها از دست میدهیم که صدایشان دیگر از فرط فریاد گرفته است .

درک مفهوم "حسین بودن" را از این نقطه آغاز میکنم که بفهمم مسوولیت حسین بودن از جاهایی آغاز میشود که خیلی دور نیست. انی لم اخرج اشرا و لا بطرا

- می اندیشم به تاریخی عظیم از بزرگداشت مردی که عزیز بود اما ما تعزیت دارانش بسنده میکنیم به طلاکوب کردن گنبد او و نه طلا شدن در مجاورت کیمیای او
- میاندیشم که چقدر حقیرند کسانی که زیارت عاشورا را از حفظ میخوانند اما از حفظ اخلاقی ساده در برابر

انسانهای کوچک و بازار و خیابان و خانواده عاجزند

- میاندیشم به ساده اندیشی کسانی که تعزیت مردی چون حسین را در سیاه کردن گوشه بیلوبردهای تبلیغاتی خیابانی حقیر میکنند و از حسین ، وسیله ای اسطوره ای ساخته اند که پیرستندش تا نفهمندش
- می اندیشم به کسانی که زینب وار بودن را تنها در سیاهی چادر میدانند و نه دریدن سیاهی جامعه ای که زن چادری و غیر چادری را فقط وقتی خوب میدانند که در هر شرایطی به هر ظلمی تن دهد
- می اندیشم که مبادا دینداری ام ، دین هزاران نفر را آلوده کرده باشد در حالیکه حسین (ع) دینداری داشت که میلیونها نفر با آن به تعادل و هارمونی میرسیدند.
- من فهمیده ام نمیتوان دم از حسینی بودن زد ولی تعادل نداشت نه در رفتار نه در گفتار. نمیتوان حسینی بود ولی لجوج بود و یک دنده ...حسین صبور بود بلکه تمام صبر بود نه لجوج و سرکش

می اندیشم و اندیشه ام میسوزد و جانم آتش میگیرد و به بزرگی حسین و حقارت و ناتوانی خودم میگیرم و پناه میبرم به روزمرگی حقیرم

سلام بر تو روزی که ولادت یافتی و روزی که به شهادت رسیدی و روزی که دوباره زنده خواهی گشت و به ما مردگان زندگی هدیه خواهی داد
محرّم ۱۳۸۹
=====

این متن را اولین بار در 21 آذر سال 89 منتشر کردم و امروز به مناسبت تقارن با ایام عزاداری دوباره باز نشر کردیم

من معلم، طبیبم



من معلم و

طبیبم،

تو بیمارستان یاد گرفتم واسه اینکه طبیب بشویم، بعد معاینه، کفش مریض را براش جفت کنیم که یادمان نرود خدمتگزار مردمیم نه هیچ بیش (کتاب سمیولوژی سوارتز ۱۹۹۵)
مثل شرلوک هلمز حواسمون به گفته و ناگفته مراجعمون باشه که تشخیص اشتباه ندیم؛
تا میتونیم شاگردی کنیم، مقاله بخونیم، تو سایتهای علمی ول بگردیم که شاید دردی را بکاهیم؛
اولین سال مطب داری ام، مراجع در پاسخ به سوال اصلی ” چی شد به من مراجعه کردید؟ ” پاسخی استعاری داد : حال من مثل فلانیه تو فلان اثر کیشلوفسکی ! من تو مایه های جناب خان کف کرده بودم حالا چه غلطی بکنم با بیسوادیم تو فیلم و کارگردان... اینطوری تو این ۱۴ سال فیلمها دیدیم و کتابها

خوندیم و غلامی اساتیدمون را با افتخار کردیم و میکنیم و از مراجعینمون هزاران نکته آموختیم؛
تو ۴۱ سالگیم از خدا میخوامم تیرگیهای درونم را کمکم کند کم کنم و برکتی یابم که طیب و معلمی
مورد وثوق مردمم گردم.
به بهانه روز پزشک ، مجددا مخلصیم.
Photo:علیرضا شریفی

کلیه فایل‌های صوتی و تصویری و اسلایدهای ایمان و توانگری ۹۴ (لینک داون لود dropbox اضافه شد)

به لطف حق موفق شدیم با حمایت تحسین برانگیز مدیران سازمان بنادر و امور دریایی ایران ، تاکنون
سه شب از برنامه ایمان و توانگری 94 را برگزار کنیم که با استقبال مردم روبرو شده است
شب اول :

- مدت 90 دقیقه / سخنرانی مشترک دکتر شیری و مجید عزیزی
- موضوع صحبت دکتر شیری درباره مفهوم ایمان FAITH و توانگری Prosperity بود و نسبت این دو با هم و نیاز امروز ما به چنین تلازمی
- گفتگوی دکتر شیری با مجید عزیزی، مستند ساز خوب ایرانی، درسهایی که در مستند سازی در نپال و کردستان عراق آموختم
- فایل صوتی این مراسم را [اینجا](#) گوش کنید و [اینجا](#) داون لود کنید (نیاز دارید که اکانت دارپ باکس داشته باشید)
- فایل تصویری را اینجا ببینید: <https://youtu.be/RRELaQIT1Z4>
- اسلاید ندارد

- مدت 53 دقیقه / سخنران : دکتر شیری
- موضوع صحبت : نقشه راه فردی Personal road-mapping و نسبت آن با تقدیر و انسان کامل بعلاوه خوانش جملات نبی اکرم درباره ماه رمضان ،رنج مقدس داشتن
- فایل صوتی مراسم را [اینجا](#) گوش کنید و [اینجا](#) داون لود کنید(اکانت دراپ باکس نیاز دارید)
- فایل تصویری را اینجا ببینید : https://youtu.be/KUt_ipwE8r0
- اسلایدها در زیر آمده است



دکتر شیری از تجربه صعود ناتمامش به قله دماوند و درسهایی که از این شکست گرفت شروع میکند و به VISION &MISSION فردی میپردازد. پس از تبیین این مفاهیم و طرز یافتن نقشه راه شخصی ، میپردازد به اینکه انسان کامل چه تاثیری در این بین دارد. او تاکید میکند که انسان کامل ستاره قطبی مسیر است و مسیر چیز نیست برای طی کردن و نه تقدیس نمودن . گو اینکه نقشه گنج داشتن ما را ثروتمند نمیکند ، کلاس MBA رفتن ما را به تنهایی ثروتمند و کارآفرین نمیکند و امکانش است که ساده لوحانه ، فقط ناظر پولدار شدن بقیه بشویم !

دین به ما راه نشان میدهد و راه چیز نیست برای طی کردن و نه از بر کردن! جامعه ما نمایش دینداری دارد و حقیقت دین که اخلاقیات است ، غیب شده و این آسیب میزند

بحث دیگر درباره رنج مقدس بود ، تصویری از جنگ روسها در سرکوب مجاهدین چچنی در سال 1993 پخش شد و از مردم خواسته شد که بیندیشند چه تفاوتیست بین رنج و حزن مقدس و افسردگی. اولی به حیات بهتر ختم میشود و دومی به مردگی روانی می انجامد.

شب سوم :

موضوع صحبت : استاد عجمی درباره باطن زیبایی در اسلام صحبت کردند همچنین مقایسه شیرینی بین معجزات جناب موسی و مسیح و نبی اکرم کردند. کتابت تورات معجزه است که در دین مسیح مبدل میشودبه جسم مسیح که اساسا معجزه است و در اسلام لفظ و کلام وحی خودش معجزه میگردد و لذا کتابت قرآن شرافت دارد و از این حیث است که خطاطی در هنر اسلامی ، هنری متفاوت است

- فایل صوتی مراسم را [اینجا](#) گوش کنید و [اینجا](#) داون لود کنید(اکانت dropbox احتیاج دارید)

- فایل تصویری مراسم را اینجا ببینید : <http://youtu.be/OqEJiWLiFus>
- اسلاید ندارد

شب چهارم

- فایل صوتی را [اینجا](#) گوش کنید و [اینجا](#) داون لود کنید (برای داون لود به اکانت dropbox نیاز دارید) در این فایل دو بخش به سمعتان میرسد. بخش اول 100 دقیقه است که شامل صحبت استاد رضایی و دکتر شیری است ، بخش دوم 27 دقیقه است که شامل غزل خوانی دلنشین آقای کاوه احیا و دعای انتهای جلسه میباشد.
- سید سهیل رضایی درباره تقدیر و عقده صحبت کرد. او ضمن اشاره به اینکه وقتی منتظر رابین هود بیرونی هستیم که نجاتمان دهد در حالیکه برای نجاتمان کاری نمیکنیم ، اسیر عقده رهایی هستیم
- دکتر شیری درباره مولوی و دعا صحبت کرد . داستانهای حیرت آوری که مولوی درباره دعاهاى مستجاب و نا مستجاب میگوید ، درونمایه این درس گفتار گشته است



خدا پشت سختیهاست نه بدبختیها

خیلیها بد زندگی میکنند و انتظار دارند اتفاقات خوب برایشان رخ دهد، خیلیها معاشرتهای اشتباه با آدمهای اشتباه دارند و توقع دارند کم کم خنگ نشوند! خنگی و پخمگی محصول معاشرت با آدمهای بازنده هم هست، استاد عجمی نقل زیبایی دارند که خدا پشت سختیهاست و نه بدبختیها، بدبختی همانست که در زندگیمان می آوریم و فکر میکنیم بناست خدایی در انتهای مسیر با آغوش باز منتظرمان باشد، و عجباً بر این دلخوش کنك مخرب!



استاد حمید عجمی ، استاد مسلم مثنوی و معارف اسلامی ، مبدع خط معلی در هنر اسلامی میهمان برنامه ایمان و توانگری 94 بودند و درسهای زیبایی برایمان فرمودند.

- فایل صوتی مراسم را [اینجا](#) گوش کنید یا [اینجا](#) download کنید.

▪ فایل تصویری مراسم را [اینجا](#) ببینید

#ایمان_توانگری #حمید_عجمی

Photo:@sharifi5171 علیرضا شریفی

▪ [سخنرانی دکتر شیری و سید سهیل رضایی درباره تقدیر و دعا](#)

▪ [کلیه فایل‌های صوتی و تصویری ایمان و توانگری 94](#)

ایمان و توانگری ۹۴ برگزار میشود - از دوشنبه ۱۵ تیر



” إن لربکم فی آیام دهرکم **نفحات**، فتعرضوا لها لعله أن یصیبکم نعمة منها فلا تشقون بعدها أبدا “

رسول اکرم : پروردگارتان را در روزگار شما **نسیم** هایی هست ، خود را در معرض آن قرار دهید که چه بسا با آن نسیم هرگز به رنجوری نیفتید

بنا به سنت دهساله و توفیق الهی ، امسال نیز برنامه ایمان و توانگری و سلسله جلسات نسیم را افتخار داریم که میزبان شما باشیم

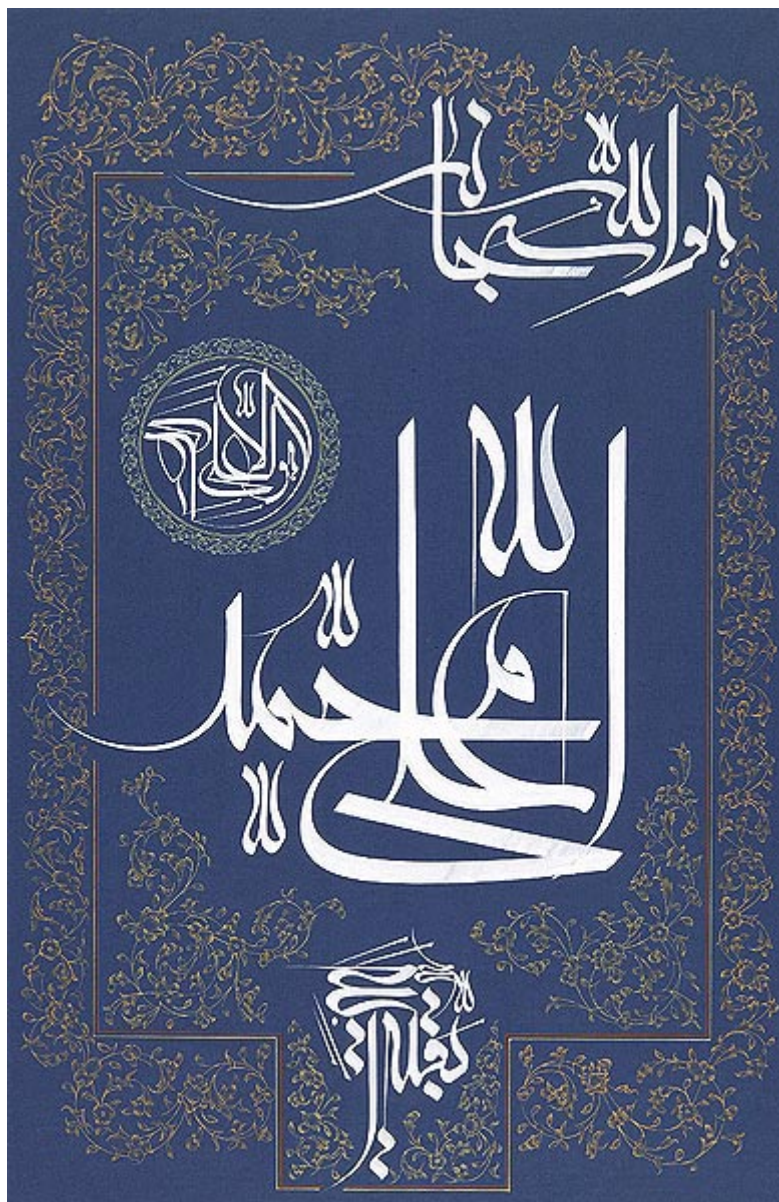
برنامه :

- دوشنبه 15 تیر ماه : دکتر شیری- دکتر ناصر عمادی (متخصص پوست که بیماران ایدز را در آفریقا رایگان درمان میکند)- مجید عزیزی (مستند ساز با پخش فیلمهای برگزیده)
- سه شنبه 16 تیر : شب قدر - استاد سهیل رضایی- دکتر شیری- خانم دکتر عباسی
- چهارشنبه 17 تیر : **استاد حمید عجمی**، مبدع [خط معلی](#) در هنر اسلامی با موضوع باطن زیبایی در اسلام- دکتر شیری
- پنجشنبه 18 تیر : شب قدر

-
- مکان : میدان ونک ، اتوبان حقانی، پس از جهان کودک ، خیابان دیدار جنوبی ، جنوب پارک اب و آتش، ساختمان سازمان بنادر کشور- آمفی تئاتر
 - ساعت 22:15 الی 24:30
 - با توجه به شلوغی پارک اب و آتش و کمبود محل پارکینگ ، تعداد 50 پارکینگ مخصوص شما بزرگواران علاقه مند برنامه ایمان و توانگری در محوطه سازمان بنادر ، تعبیه شده است که میدانیم محدود است ولی غنیمت میباشد، صبوری شما را ارج مینهیم



نمای بیرونی ساختمان سازمان بنادر و امور دریایی ایران



نمونه دستخط معلی - استاد حمید عجمی

▪ ایمان و توانگری ، فایل صوتی رضا امیرخانی (زیبایی معنوی) + دکتر
عمادی (خاطرات)

فایل یک و نیم ساعته شب ایمان و توانگری از صحبت‌های رضا امیرخانی و دکتر عمادی
درباره زیباییهای معنوی

▪ خصوصی: چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی (مراسم پایانی ایمان
و توانگری ۹۳)

شب آخر تقریبا همه بودند ، دکتر عباسی و دکتر ادبی به زیبایی درباره خضر نبی صحبت

کردند ،

▪ ایمان و توانگری ۲۸ ، شبی که هرگز از یادمان نخواهد رفت

شب ایمان و توانگری 28 عجیب بود، همه میگرسیتند در برابر بزرگی زیبای زندگی مردان این سرزمین

▪ ایمان و توانگری ۹۳ : بحث “دین داری و فردیت او۱” دکتر شیری

سخنرانی دکتر شیری را در برنامه ایمان و توانگری شب 19 ماه مبارک پیرامون فردیت و دین داری در فرهنگسرای ارسباران ، اینجا به مدت 44 دقیقه گوش کنید

▪ دل نوشته های سحری ۱۶- متن پیاده شده سخنرانی “ ایمان و توانگری ” “دکتر شیری شب ۲۱”

به سمع و نظرتون رسید که تاریخچه انسان پر است از تجربیات عجیب. همچنین ،خدمتتون عرض شد که اونچه که تبیین می کنه و به زندگی انسان معنا می بخشه مجاورت با زیبایی است. بنای ما بر این نیست که در این شب ساحت فلسفی به بحث بدهیم بلکه فقط بسنده می کنیم که اگر برهانی هست، این برهان را در پیش بگیریم. به عرض رسید که مجاورت با زیبایی انسان را نرم و مجاورت با نا زیبایی انسان را تلخ می کند.

▪ دل نوشته های سحری ۹ – مراسم “ایمان و توانگری ” شب ۲۱ و ۲۳

توانگر “تدبیر” میکند و “تقدیر”ش ، “تغییر” میکند انا انزلناه فی ليله القدر را اینگونه ادراک میکند که چنین شبی را به “ تفکر” بگذرانند و نه فلسفه بافی های راهزن امید و معما

▪ دو پیاله مثنوی- مکر عالم- ایمان و توانگری ۹۲

همانا در در روزگار زندگی شما نسیم‌هایی از سوی پروردگارتان می‌وزد. خود را در معرض آنها قرار دهید، باشد که چنین نسیمی سبب شود که برای همیشه بدبختی از شما دور ماند؛